

جساره می کرداگر

کونی وشامی می شد

کشت شکر

مشرکان اباعبدالله

۱ نمایی از یک بحران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ساختارهای انتظامی به صورت موقت، دچار اشکال در عملکرد شد. مقابله باگروهک های تجزیه طلب و ضدانقلاب، غفلت از شیوع جرائم اقتصادی را در جامعه به دنبال داشت.

در پی این وضعیت، حتی کالاهای اساسی هم باقیمتی بسیاربالا در اختیار مردم قرار می گرفت. در تیرماه سال ۱۳۶۰ خورشیدی و در بحبوحه حوادث بعد از عملیات تروریستی دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت شهید بهشتی و یارانش و نیز ترورهای کور و هدفمند سازمان منافقین در جامعه، روزنامه خراسان با درج خبری در صفحه نخست خود، احتمالاً برای اولین بار، به عمق فاجعه گرانی کالاهای اساسی پرداخت و از بالا رفتن سرسام آور قیمت گوشت و توزیع آن خارج از شبکه رسمی بازار و به صورت قاچاق خبر داد (روزنامه خراسان، مورخ ۶۰/۶/۸).

البته مسائل مربوط به کم فروشی و احتکار، در ابتدای سال ۱۳۶۰ خورشیدی نیز مورد توجه روزنامه های محلی مشهد قرار گرفت، منتها در آن زمان موضوع احتکار ارزاق عمومی هنوز رسانه ای نشده بود و کمبود کالاهایی مانند سیمان به دلیل فروش گسترده در بازار سیاه، بیشتر به چشم می آمد. روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۰، روزنامه خراسان اطلاعیه استانداری را درباره فروش سیمان در بازار سیاه منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده بود که مردم «در صورت مشاهده این گونه افراد که با عملشان در جهت تحقق آرمان های ضدانقلاب گام برمی دارند، آنان را به استانداری معرفی کنند تا طبق ضوابط قانونی با آن ها رفتار شود». بااین حال هنوز سازوکار مشخصی برای این برخورد وجود نداشت. در همان حال، موضوع احتکار و گران فروشی در مورد دیگر ارزاق عمومی و کالاهای اساسی مانند برنج، حبوبات و روغن نیز شایع بود. با اعمال تحریم های خارجی، عملا واردات این محصولات متوقف شد و چون توان عرضه محصول داخلی، به دلیل فقدان شبکه تهیه و توزیع مؤثر نبود صنایع کارآمد بسته بندی، در حد صفر قرار داشت. بازار با التهاب روزافزونی دست و پنجه نرم می کرد.

۲ سنگربندی در برابر محترکان و گران فروشان

احیای اتحادیه های صنفی که سابقه تأسیس آن ها به قرن ها قبل بازمی گشت، اولین گام برای کنترل اوضاع بود. از ماه های نخست سال ۱۳۶۰ خورشیدی، به تدریج اتحادیه های صنفی جدید در مشهد اعلام موجودیت کردند. بخشی از کار مقابله با احتکار و گران فروشی برعهده همین اتحادیه ها بود.

در واقع دولت می خواست کار نظارت را برعهده متخصصانی از مردم بگذارد. هم زمان کمیته مبارزه با گران فروشی و احتکار نیز در استانداری مشهد تشکیل و با تأسیس «ستاد بسیج اقتصادی» انسجام بهتری در شبکه توزیع ایجاد شد. گزارش خبرنگاران مشهدی در این ماه ها، خبر از تلاش مداوم مسئولان برای تثبیت قیمت کالاهای دهد، قیمت ها به دلیل جنگ و رکود ناشی از آن به شکلی بی ضابطه و بی رویه بالا رفته بود و افزایش قیمت، در واقع تلاش گران فروشان و محترکان برای تداوم اقداماتشان به حساب می آمد. در تیرماه سال ۱۳۶۰ خورشیدی، سرپرست کمیته مبارزه با گران فروشی و احتکار، در مصاحبه ای کوتاه با روزنامه خراسان به تشریح اقدامات این کمیته و مقابله صریح و بدون مماشات با محترکان و گران فروشان پرداخت.

طبق اظهارات وی، تعدادی از ناانایان مشهدی به دلیل احتکار آرد و بالا بردن بی ضابطه قیمت نان، مشمول جریمه های صنفی شده بودند. در ۱۵ تیرماه همان سال، تلاش برای تثبیت قیمت ها در بازار میوه و تره بار مشهد منجر به پلمب تعدادی از واحدهای این صنف در مشهد و جریمه نقدی صاحبان آن ها شد، بااین حال، تلاش های مذکور با وجود تأثیر مثبت، قادر نبود از گسترش احتکار جلوگیری کند. عدم ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی، باعث شیوع این پدیده می شد.

دولت باز هم سعی کرد با تصحیح ساختار توزیع، به مقابله با احتکار بپردازد. استفاده از «کوبن» می توانست گام مهم و مؤثری باشد. بانک های عامل در مشهد به توزیع کوبن اقدام می کردند و در نخستین گام، بنزین به صورت کوبنی در اختیار مردم قرار گرفت. اما استفاده از این شیوه هم مفاسد و دردسرهای خاص خودش را داشت. به غیر از مقوله جعل کوبن که واقعا دردسر بزرگی بود، فروش آن در بازار سیاه، باعث ورود کالاهای یارانه ای به خارج از شبکه توزیع و افزایش احتکار می شد. این مسئله در اواخر سال ۱۳۶۰ خورشیدی به یک بحران چالش زا تبدیل شد، به همین دلیل، دادستانی مشهد راساً به مسئله ورود پیدا و با توجه به دستورالعمل های اعلامی از سوی دولت و قوه قضائیه، «دادسرای

مبارزه با محترکان و گران فروشان

طی دوران ۸ ساله دفاع مقدس چگونه سازمان دهی شد؟

جنگ باتروریست های اقتصادی در مشهد دهه ۶۰



مرضیه ترابی| پدیده احتکار و گران فروشی، بیماری مزمن فضاهای اقتصادی ملتهدب و کنترل نشده است. همیشه افراد سود جویی پیدا می شوند که در شرایط خاص، به ویژه هنگام جنگ یا وقوع شوک اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی، به فکر سوداگری از طریق احتکار و گران فروشی می افتند و متأسفانه، همه ما با نمونه های مختلف و گوناگون آن برخورد داشته ایم. تردیدی نیست که این پدیده، در همه احوال و زمان ها نگوینده و برخاسته از پستی و زذالت عاملان آن است، اما در برخی شرایط، تأثیر آن بر جامعه بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. به خصوص زمانی که پای جنگ در میان باشد؛ زمانی که دشمن خارجی به مرزهای کشور تعرض کرده و همه تلاش و کوشش مسئولان کشور بر مسئله عقب راندن دشمن متمرکز شده است.

در چنین شرایطی، محترکان عرصه را برای ناکپویی که باید آن را نوعی جنگ داخلی علیه زندگی مردم تلقی کنیم بازمی بینند و به این ترتیب، پدیده احتکار و گران فروشی وارد مرحله حاد خود می شود. در تاریخ ایران معاصر، نمونه های متعددی را می توان در این باره یافت. در سال ۱۲۸۲ خورشیدی، موضوع احتکار در مشهد به یک بحران عمومی تبدیل شد و اسباب قحطی بزرگی را پدید آورد که به قیامی موسوم به «بلوای نان» انجامید. در شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی و پس از اشغال ایران توسط متفقین، پدیده احتکار یک مرض فراگیر بود و در کنار قحطی ناشی از اشغال، صدمات جبران ناپذیری را به ساختار اقتصادی خانواده های ایرانی وارد کرد. این وضعیت در جریان سال های نهضت ملی شدن صنعت نفت و به دنبال تحریم گسترده اقتصاد ایران از سوی غرب نیز به چشم آمد و در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، به دلیل خارج شدن بازار از کنترل دولت و سرازیر شدن کالاهای وارداتی به جامعه، به معضل روز تبدیل شد. با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران و ایجاد شرایط خاص ناشی از آن، پدیده احتکار و گران فروشی دوباره در جامعه سر برآورد و به معضلی دامن گیر تبدیل شد. این وضعیت حکومت نوای جمهوری اسلامی ایران را ناچار به واکنش های سریع و گسترده کرد. این واکنش ها در هر دو نوع سلبی و ایجابی بروز پیدا کردند؛ در حالت نخست، مقابله با محترکان، به عنوان «تروریست های اقتصادی» در دستورکار نهادهای قضایی و صنفی قرار گرفت و در حالت دوم، دستورالعمل هایی برای کاستن از بار ناشی از کمبود کالا و شکل گرفتن شبکه های احتکار در جامعه اجرایی شد که هر کدام تجربه ای ویژه و خاص را در تاریخ معاصر ایران رقم زد. در این نوشتار قصد داریم به بررسی این پدیده در شهر مشهد و به ویژه در سال های آغازین جنگ تحمیلی بپردازیم. سال های حساس و پرتلهایی که از هر نظر، در تاریخ ایران سرنوشت ساز بود.



ویژه امور صنفی» را برای مبارزه با گران فروشان تأسیس کرد. این دادسرا نخستین نهاد تعزیراتی برای کنترل بازار در مشهد بود و دفتر آن در ساختمان دادگستری (چهارطبقه) قرار داشت.

۳ احکام سنگین برای متخلفان

با تأسیس دادسرای امور صنفی در مشهد، مبارزه با محترکان وارد مرحله جدیدی شد. از مردادماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی، به تدریج اخبار مربوط به مبارزه با احتکار و گران فروشی به صفحه نخست روزنامه های مشهد راه یافت و با توجه به عدم ممنوعیت درج نام محکومان، مردم می توانستند نشانی واحدهای صنفی و نام صاحب محترک آن ها را در روزنامه ها و اطلاعیه ها ببینند. درج این اخبار در ایجاد آرامش عمومی بسیار مؤثر بود. سوم مردادماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی، روزنامه خراسان از محکومیت چند محترک و گران فروش به جریمه و زندان تعلیقی خبر داد. در ۱۷ مردادماه همان سال، یکی از مفصل ترین گزارش های مربوط به مجازات محترکان در صفحه پنج روزنامه مذکور منتشر شد، صفحه ای که علاوه بر نام و عنوان این افراد و توضیح جرائم آن ها، مطالبی را در زمزت احتکار، با استناد به قانون و شرع در اختیار مخاطبان قرار می داد. طبق این گزارش، محترکان دیگر فقط جریمه نقدی نمی شدند و از آن به بعد، با مجازات هایی مانند شلاق، زندان و نصب پرده در محل کسب روبرو بودند. در ۲۹ مرداد ۱۳۶۱، عملیات مبارزه با احتکار در مشهد وارد مرحله جدیدی شد.

از گزارش ها چنین معلوم می شود که کار رسیدگی به پرونده های احتکار را به دادگاه های انقلاب واگذار کرده بودند، به دیگر سخن، جرائمی از قبیل احتکار و گران فروشی در ردیف جرائم امنیتی قرار گرفته بود. این مسئله نشان می دهد که این موضوع، چقدر بر روی ساختار اقتصادی و -از آن مهم تر- شاکله روانی اجتماع اثرگذار بوده است. در گزارش ۲۹ مردادماه، برخی از محترکان به شلاق (تا ۴۵ ضربه) محکوم شده بودند و تعدادی هم باید دوران حبس چندماهه را می گذراندند. در متن اطلاعیه انتشار یافته، به نقل از دادسرای ویژه امور صنفی آمده بود: «در این برهه از زمان تروریست های اقتصادی که با جرم گران فروشی و احتکار در دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی محاکمه و محکوم شده اند، به شما امت حزب... معرفی می گردند.»

در میان کسانی که نامشان منتشر شده بود، افرادی از اصناف مختلف به چشم می خوردند، لوازم بهداشتی، چلوکبابی، لوازم یدکی خودرو، شیشه بر، لوازم خانگی، شیرینیجات و... . در میان موارد اعلامی، کشف ده ها تن برنج کوبنی احتکار شده در یکی از آب انبارهای محدوده پنجراه پایین خیابان، یکی از موارد تکان دهنده گزارش بود که باعث حساسیت بیشتر مردم مشهد به رفتارهای برخی اصناف شد.

بسیاری از محترکان آن روزگار، مانند روزگار ما، با خبرهای مردمی معرفی و محاکمه می شدند. جست و جوی خیابان به خیابان و کوجه به کوجه برای یافتن تروریست های اقتصادی ادامه یافت و موفقیت های مؤثری نیز به دست آمد.

۴ تداوم مبارزه

طی سال های بعد، تا پایان جنگ تحمیلی، برخورد با محترکان با همین رویکرد ادامه پیدا کرد. تأسیس شرکت های تعاونی مصرف در سال ۱۳۶۲ خورشیدی، گام دیگری برای تعدیل و اصلاح نظام توزیع بود. این شرکت های مردم نهاد، وظیفه توزیع کالاهای مختلف را برعهده داشتند. گزارش در روزنامه خراسان، مورخ پنجم اردیبهشت ۱۳۶۲ خورشیدی، منتشر شده است که نشان می دهد در حوزه توزیع برخی کالاهای مشهور به «تعاونی» سخت گیری های بیشتری صورت می گرفته است تا از احتکار و گران فروشی آن ها جلوگیری شود. طبق این اطلاعیه، خانوارها می توانستند با دفترچه بسیج اقتصادی اقدام به خرید لوازم خانگی تعاونی کنند. اما باید همه خریدهای آن ها از یک تعاونی صورت می گرفت تا نظم و انسجام توزیع حفظ شود.

اینکه آیا چنین رویه ای می توانست در کنترل احتکار مؤثر باشد، چندان معلوم نیست؛ اما نگارنده این سطور به یاد می آورد که عملکرد تعاونی ها در این زمینه و البته دیگر زمینه ها، مورد رضایت مردم قرار داشت. هر چند که در همان شرایط هم گروهی سودجو و منفعت طلب به دنبال مکیدن خون مردم بودند و به دور از چشم ضابطان قانون، به این کار مبادرت می ورزیدند.

این قضیه حتی در قالب احتکار تقلات هم خودش را نشان می داد که کمی عجیب به نظر می رسید.

شهر

شهر
SHAHIRANEWS.IR

شبه
۷ تیر ۱۳۶۴
۲ محرم ۱۳۶۶
شماره ۲۵۲

۱۵

↓

تاریخ و هویت

اخبار

قدیمی

شهدی ها پس از واقعه هفتم تیر چه کردند؟

۳ روزی که مشهد خون گریست



ترابی| ساعت ۲۱:۰۵ روز هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ خورشیدی، گروهک منافقین با انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در چهارراه سرچشمه تهران، آیت... دکتر بهشتی و ۷۲ نفر از اعضای این حزب از جمله شهید دپالمه نماینده مردم مشهد را که جملگی از مبارزان برجسته دوران انقلاب و از یاران صدیق امام خمینی^(ع) بودند، به شهادت رساند. این اتفاق، بعد از شورش های ۳۱ خردادماه همان سال و در پی رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و عزل ابوالحسن بنی صدر از این مقام رقم خورد. اعلام ورود منافقین به فاز مسلحانه و درگیری های سنگین در تهران و شهرهای دیگر، آن هم در شرایطی که کشور هدف حملات تجاوزکارانه رژیم بعث عراق قرار داشت، اوضاع را بسیار پیچیده و بغرنج کرده بود. در چنین وضعیتی، تنها حضور گسترده مردم در صحنه می توانست به مهار همه جانبه این شورش فراگیر کمک کند، اتفاقی که با هوشیاری و وفاداری ایرانیان به وقوع پیوست و ملی روزهای بعد از جنایت تروریستی هفتم تیر، باعث برقراری نظم و آرامش در کشور شد و مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را فراهم کرد. در واقع حضور مردم باعث شد که گروهک ها از کف خیابان جمع شوند و این مسئله، در جلوگیری از بروز خسارات گسترده ناشی از اقدامات آنان بسیار مؤثر بود.

شهر مشهد در آن روزهای پرتلها، مانند دیگر شهرهای ایران، شاهد این حضور حماسی شد. گزارش ها از برپایی راهپیمایی پانصد هزار نفری در این شهر مقدس خبر می دهند. به بهانه فرا رسیدن سالروز واقعه هفتم تیر، مروری کوتاه بر اتفاقاتی خواهیم داشت که طی ۷۲ ساعت بعد از انتشار خبر آن واقعه تروریستی در مشهد اتفاق افتاد.

● انتشار خبر در مشهد

خبر انفجار تروریستی دفتر حزب جمهوری اسلامی، صبح روز دوشنبه، هشتم تیرماه سال ۱۳۶۰، در مشهد منتشر شد و مردم این شهر در اقدامی خودجوش و بدون برنامه ریزی قبلی به خیابان ها آمدند و به این ترتیب، هسته های راهپیمایی بزرگ آن روز و روز بعد شکل گرفت و تبدیل به خیزشی عمومی شد. خبرنگار روزنامه خراسان که گزارشی میدانی از این حضور تهیه کرده است، در این باره می نویسد: «بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم مشهد طی راهپیمایی عظیمی که در روزهای دوشنبه و سه شنبه گذشته انجام دادند تأثر شدید خود را از حادثه انفجار بمب و شهادت ۷۲ نفر از یاران باوفای امام^(ع) اعلام کردند... روز دوشنبه] مردم مشهد ضمن شعارهایی در حمایت از روحانیت و رهبری امام^(ع)، مسیر خیابان های متعدد را پیمودند و در انتهای آن در صحن امام خمینی^(ع) و خیابان امام رضا^(ع) و میدان اطراف فلکه مطهر اجتماع نمودند و به سخنرانی حجت الاسلام خزعلی، فقیه بزرگوار و عضو شورای نگهبان قانون اساسی، گوش فرا دادند. دقایق زیادی طول کشید تا شعار دادن مردم خاتمه یافت [و سخنرانی آغاز شد].»

برنامه راهپیمایی در بزرگداشت شهید بهشتی، روز سه شنبه، نهم تیرماه، نیز همراه با تشییع پیکر تعدادی از شهدای این واقعه تروریستی ادامه پیدا کرد و این بار، اجتماع عظیمی در صحن امام خمینی^(ع) (صحن موزه قدیم و رواق امام خمینی^(ع)) کنونی در حرم رضوی) شکل گرفت. در این اجتماع، حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد و آیت... واعظ طبسی سخنرانی کردند.

این سخنرانی ها، به ویژه سخنرانی حجت الاسلام هاشمی نژاد، به دلیل صراحت بیان و شورانگیز بودنش، تأثیری گسترده بر مخاطبان گذاشت. این هفت نفر عبارت بودند از دکتر جواد اسدا... زاده (معاون وزارت بازرگانی)، دکتر مهدی امین زاده (معاون وزارت بازرگانی)، حجت الاسلام دکتر قاسم صادقی (نماینده مردم مشهد در مجلس)، علی اکبر دهقان (نماینده تربت جام در مجلس)، حجت الاسلام سید محمد موسوی فرد (مسئول دفتر شهید بهشتی)، حجت الاسلام حسین سعادت (سرپرست امور شهرستان های حزب جمهوری اسلامی) و حجت الاسلام طبیبی (نماینده مردم اسفراین در مجلس). پیکر این شهدا بعد از ورود به فرودگاه مشهد، به میدان ضد (۱۵ خرداد فعلی) منتقل و از آنجا بر روی دستان مردم مشهد، تا حرم رضوی تشییع شد. جمعیت حاضر در مراسم آن قدر زیاد بود که دو ساعت طول کشید پیکر شهدا به حرم مطهر برسد.

در حرم رضوی و بعد از سخنرانی و پایان مراسم، پیکر چهار شهید (اسدا... زاده، امین زاده، صادقی و دهقان) در غرفه ای واقع در شمال غربی صحن نو (آزادی فعلی) به خاک سپرده شد. پیکر دیگر شهدا نیز برای تدفین به زادگاه آن ها در نیشابور و اسفراین انتقال یافت.